

از دواج حضرت محمد (ص) با

حضرت عایشه (رض)

نویسنده : فرقان

مترجم : یاسر قزل

انجمن آنتی شبہات

https://t.me/anti_shobahat



«انجمن آنتی شبهاآت»

تابع قوانین و مقررات کشور ایران است.

حوزه فعالیت: فلسفه دین و رد شبهاآت.

ما را در صفحات زیر دنبال کنید

<http://Anti-Shobahat.com>

سایت :

[Instagram.com/Anti_Shobahat](https://www.instagram.com/Anti_Shobahat)

اینستاگرام :

[Aparat.com/Anti_Shobahat01](https://www.aparat.com/Anti_Shobahat01)

آپارات :

[@YaserGhezal](https://www.instagram.com/YaserGhezal)

آیدی جهت ارتباط

فهرست مطالب

- ۳ مقدمه و طرح ادعا
- ۴ دیدگاه اول :
- ۵ دلایل دیدگاه اول
- ۵ دلیل اول
- ۷ دلیل دوم
- ۸ دلیل سوم
- ۱۱ دیدگاه دوم :
- ۱۲ سن ازدواج در جوامع گذشته
- ۱۵ آیا حضرت محمد از دواجی مطابق با عرف زمانه خودشان داشته‌اند؟
- ۱۷ محاسبه ی سن حضرت عایشه در دیدگاه دوم
- ۲۰ نتیجه گیری :
- ۲۲ منابع :

مقدمه و طرح ادعا

ادعا: حضرت محمد با دختری ۹ ساله ازدواج کرده است و این کاری غیراخلاقی است.

در پاسخ هر دو دیدگاه را بدست خواهیم گرفت، هم دیدگاهی که مدافع این است که حضرت محمد با دختری ۹ ساله ازدواج کرده‌اند و هم دیدگاهی که مدافع عدم ازدواج ایشان با دختری ۹ ساله است.

بنده از هر دو دیدگاه به طوری که انگار دیدگاه خودم باشند دفاع خواهم کرد. و مستقل از اینها در قسمت آخر دیدگاه خودم را مشخص خواهم کرد.

دیدگاه اول :

حضرت عایشه با حضرت محمد در ۹ سالگی ازدواج نکرده است.

اینکه حضرت عایشه طبق برخی احادیث در سن ۶ سالگی عقد و در سن ۹ سالگی -بطور رسمی- ازدواج کرده است با بیوگرافی بستگان حضرت عایشه در تضاد است.

در حالی که بیان می‌شود حضرت اسماء خواهر بزرگتر حضرت عایشه در ۱۰۰ سالگی فوت کرده‌اند، (۷۳.۵، م. ۶۹۲) گفته می‌شود که حضرت عایشه حداقل ۱۰ سال کوچک‌تر از ایشان بوده‌اند.

این در حالی است که با حرکت از روی حساب‌های انجام شده از روی سن حضرت اسماء سن حضرت عایشه ۱۸-۱۷ سال یافت می‌شود، در احادیث دیگری سن حضرت عایشه ۹ سال ذکر می‌شود.

در این وضع، در تضاد با یکدیگر بودن احادیث به میان می‌آید.

فراموش نکنیم که (حدیث صحیح) به معنی پابندی و مطابقت با متدهایی مشخص می‌باشد.

این متد عموماً برپایه معتمد بودن یا نبودن راوی حدیث و قوی بودن یا نبودن حافظه او می‌باشد، تا همین حد است.

در نتیجه، احادیث صحیح در تضاد با قرآن نیز موجود است.

البته که شخصی هم می‌تواند وجود داشته باشد که هم حافظه قوی‌ای دارد و هم چهره خوبی از خود در میان مردم نمایان ساخته است، اما در اصل شخصی دروغگو می‌باشد.

مهمترین متد در حقانی بودن حدیث نیز بایستی مطابقت آن با قرآن باشد حال اینکه در متد حدیث صحیح به مطابقت با قرآن دقت نمی‌شود و تنها به این نگریسته می‌شود که راوی حدیث چگونه انسانی شناخته می‌شود. با در نظر داشتن این مطلب می‌توانیم بگوییم که؛ ((احادیث صحیح)) غیر حقیقی نیز می‌توانند وجود داشته باشند.

وسواس داشتن برخی انسان‌ها به علما و قبول کردن هرچیزی که به آن صحیح گفته می‌شود، در حال باز کردن راه بر روی مشکلات است به طوری که در حال متولد کردن این نتیجه نیز می‌باشد

که حضرت محمد سخنانی در تضاد با قرآن بیان کرده‌اند. (وقایعی مانند قتل مرتد و رجم می‌تواند به عنوان نمونه ارائه شود).

برگردیم به ادعای مربوط به سن حضرت عایشه.

حضرت محمد پس از وفات حضرت خدیجه احتیاج به همسری دارد که هم در نگهداری از فرزندان، هم در انجام کارها و هم در موضوع تبلیغ و شناساندن اسلام، کمک کند. یعنی نیاز پیامبر به ازدواج با اینگونه زنی، پس از گذشت ده سال از شروع نزول وحی احساس می‌شد.

حضرت عایشه ۵-۶ سال پیش از شروع نزول وحی به دنیا آمده است.

بنابراین این نتیجه که حضرت عایشه در ۱۸-۱۷ سالگی با پیامبرمان ازدواج کرده است به میدان می‌آید.

حال ما در اینجا به ۳ دلیل ارائه شده دال بر اینکه حضرت عایشه در هنگام ازدواج با حضرت پیامبر بسیار بیشتر از ۹ سال سن داشته‌اند، می‌پردازیم.

دلایل دیدگاه اول

دلیل اول

۱. همانطور که دانسته می‌شود حضرت ابوبکر شش فرزند دارند؛ از میان آنها حضرت اسماء و حضرت عبدالله از قتيله بنت عمیس؛ حضرت عایشه و حضرت عبدالرحمن از ام رمان؛ محمد از اسماء بنت عمیس و ام کلثوم نیز از حبیبه بنت خارجه به دنیا آمده‌اند.

در این وضعیت اسماء با حضرت عبدالله؛ عبدالرحمن نیز با حضرت عایشه خواهر و برادرانی هستند که مادرشان یکیست.

تفاوت سنی موجود میان هر دوی این برادر خواهرهای از یک مادر، موضوع ما را روشن خواهد کرد.

● اسماء که اولین دختر حضرت ابوبکر می باشد، ۲۷ سال پیش از هجرت (۵۹۵ م) به دنیا آمده است.^[۱]

حضرت اسماء در زمان هجرت حضرت محمد با حضرت زبیر بن عوام زوج و در آن زمان شش ماهه باردار بوده است و به بیانی دیگر در آن هنگام ۲۷ ساله بوده اند.

سه ماه بعد هنگام هجرت به مدینه در قباء فرزندش عبدالله را به دنیا خواهد آورد.

دانسته می شود که ایشان در ۱۰۰ سالگی بدرود حیات گفته اند.

می دانیم تفاوت سنی میان حضرت عایشه و خواهرش اسماء ۱۰ سال بوده است.^[۲]

بنابراین نتیجه می شود که سال تولد حضرت عایشه ۶۰۵ ($۶۰۵ = ۱۰ + ۵۹۵$) بوده است و سن ایشان در زمان هجرت نیز ۱۷ سال ($۱۷ = ۶۰۵ - ۶۲۲$) می شود.

از آنجا که ازدواج مورد نظر ۷ ماه پس از هجرت می باشد^[۳] له این نتیجه می رسیم که در این مدت حضرت عایشه ۱۷ سالگی خویش را پر کرده و وارد ۱۸ سالگی شده اند.

و اگر این مطلب را که ایشان در ماه شوال پس از بدر ازدواج کرده اند را اساس قرار دهیم، در می یابیم که در هنگام ازدواج با گذر از ۱۸ سالگی وارد ۱۹ سالگی شده باشند.

● نکته قابل توجه دیگر نیز اختلاف سنی حضرت عایشه با بردارش حضرت عبدالرحمن که از یک مادر هستند، می باشد.

همانطور که می دانیم حضرت عبدالرحمن، پسر بزرگ حضرت ابوبکر است و تنها پس از حدیبیه است که مسلمان می شود.

عبدالرحمن در جنگ بدر ۲۰ ساله است.^[۴] بنابراین او بایستی در سال ۶۰۴ متولد شده باشد.

در جامعه‌ای که عموماً اختلاف سنی میان برادران و خواهران یک و یا دو سال می‌باشد، احتمال به دنیا آمدن خواهری در سال ۶۱۴ که برادر بزرگش در سال ۶۰۴ به دنیا آمده است، یعنی به میان آمدن اختلاف سنی‌ای به اندازه‌ی ده سال میان دو برادر و خواهر، بسیار پایین است.

با حرکت از روی دلایل فوق‌الذکر و افزودن این واقعه نیز به آنها، باور به اینکه حضرت عایشه ۱۷ ساله بوده‌اند؛ منطقی خواهد بود.

دلیل دوم

۲. روایات به دست رسیده در خصوص تاریخ وفات حضرت عایشه، باور به اینکه ایشان ۱۷-۱۸ ساله بوده‌اند را قوی‌تر می‌سازند.

زیرا در خصوص سال وفات ایشان و سن ایشان در آن زمان از تواریخ و ارقام متفاوتی بحث می‌شود، برای تاریخ وفات ایشان سال‌هایی متفاوت مانند ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، و یا ۵۹ هجری.^[۵] و در خصوص سن ایشان در آن زمان ارقامی متفاوت مانند ۶۵، ۶۶، ۶۷ و ۷۴^[۶] ذکر شده است.

این وضع، نشان می‌دهد که همانند تاریخ تولد ایشان در خصوص تاریخ وفات ایشان نیز قبول قطعی‌ای وجود ندارد.

در روایتی که سال وفات ایشان را ۵۸ و سن وفات ایشان را ۷۴ بیان می‌کند، جزئیاتی مانند اینکه در روز چهارشنبه وفات کرده‌اند، و تاریخ وفات ایشان برابر با شب ۱۷ ماه رمضان بوده است، و بنابر وصیت‌شان پس از نماز وتر در جنّه البقیع به صورت شبانه دفن شده‌اند، ذکر می‌شود. در این روایت همچنین آمده است که بنابر وصیت، حضرت ابوهریره نماز جنازه ایشان را امامت کرده است و اشخاصی مانند عبدالله و عروه دو پسر اسماء خواهر بزرگتر ایشان، قاسم و عبدالله دو پسر برادرش محمد و عبدالله پسر برادر دیگرش عبدالرحمن، درون مزارشان قرار داده‌اند. ذکر چنین جزئیاتی در این روایت، این روایت را نسبت به دیگر روایات قوی‌تر جلوه می‌دهد.^[7]

در نتیجه اگر بخواهیم با اساس قرار دادن این روایت حسابرسی‌ای بکنیم، مشاهده می‌کنیم که حضرت عایشه ۴۸ سال پس از ارتحال حضرت محمد زندگی کرده است.

($۱۰+۴۸=۱۳+۵۸=۳+۷۱=۷۴$) و با این حساب مشخص می‌شود که ایشان ۳ سال پیش از رسالت به دنیا آمده‌اند.

در این وضعیت فهمیده می‌شود که در هنگام ازدواج ($۴۸-۷۴=۹-۲۶=۱۷$)، ۷ ماه از ۱۷ سالگی ایشان گذشته بوده است.

علاوه اطلاعات فوق، می‌توان به اطلاعاتی مانند اطلاعات زیر اشاره کرد: حضور ایشان در جبهه احد در حالی که کودکان مذکر نیز برگردانده می‌شدند،^[۸] دقت و عمق نظر ایشان در مسائل علمی، رهبریت سیاسی ایشان،^[۹] بیانات و گرایش پخته ایشان در مقابله با حادثه افک، اختلاف سنی ایشان با حضرت فاطمه، وقوفیت ایشان به حوادث و سیر وقایع پیش و پس از هجرت با جزئیاتشان، به وقوع پیوسته بودن کارهای ازدواج ایشان پس از انتقال به مدینه بالذات با مطرح سازی پدرشان حضرت ابوبکر و پس از تعیین مقدار مهریه،^[۱۰] وضعیت رهبریت حضرت محمد به عنوان شخصیتی الگو در مقابل جامعه، خاصیت پیامبری و شفقت پدری، وجود و ظهور شرط رشد در خصوص سن ازدواج در آیات نازل شده، عدم افاده قطعیت روایات موجود در خصوص سن و ازدواج ایشان به دلیل وجود اختلاف،^[۱۱] استفاده تعبیر "شش و یا هفت" توسط شخص حضرت عایشه زمانی که سن آن زمان خودشان را بیان می‌کردند، که ایجاد کننده شک و شبهه می‌باشد. عدم ثبت دقیق تاریخ تولد و وفات در جامعه آن زمان به اندازه زمان حاضر و...

اما نتیجه تغییری نمی‌کند و تمام اینها تقویت کننده این باور هستند که ایشان پیش از رسالت به دنیا آمده‌اند، در ۱۴-۱۵ سالگی نامزد کردند و در ۱۷-۱۸ سالگی نیز با حضرت پیامبر ازدواج کردند.

دلیل سوم

۳. همانطور که پیش از این نیز اشاره کردیم، با چندی از آیاتی که حضرت عایشه در خصوص نزول آنها سخن گفته‌اند نیز ادعای ۹ ساله بودن ایشان در تناقض قرار می‌گیرد و ادعای ۱۷-۱۸ ساله بودن ایشان قوی‌تر می‌گردد.

نویسنده کتاب عصر سعادت مولانا شبلی با حرکت از روی این سخن حضرت عایشه:

(زمانی که من در مکه کودک و مشغول به بازی بودم، آیه :

(بَلِ السَّاعَةِ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَذْهَىٰ وَأَمْرٌ)

«خیر، زمان ملاقاتشان ساعت قیامت است. چه ترسناک و چه تلخ است آن ساعت.»

(سوره قمر، آیه ۴۶) نازل شد و سوره‌های بقره و نساء زمانی نازل شدند که من در کنار پیامبر بودم. بیان می‌کند که سوره قمر در سال چهارم بعثت در مکه نازل شده و با توجه به اینکه حضرت عایشه وقایع آن دوره را با تفصیلاتشان دانسته و درک کرده‌اند، تصور اینکه حضرت عایشه در آن دوره - ۷ ۸ ساله و در هنگام هجرت ۱۷ ساله بوده‌اند منطقی‌ترین راه خواهد بود. (یعنی هنگام ازدواج با حضرت محمد ۱۸-۱۷ سده بوده‌اند). [12]

تکیه‌گاه دیگر شبلی نیز این است:

پس از وفات حضرت خدیجه حضرت پیامبر به کسی که اداره خانه و پرستاری از فرزندان را به عهده بگیرد نیاز داشت. حضرت محمد به شخصی جوان و باهوش احتیاج داشت که خانه‌اش را اداره کند. به همین دلیل نیز با حضرت عایشه ۱۸ ساله که صاحب این خصوصیات و زنی با استعداد و عاقل بودن ازدواج کردند. (نباید فراموش کرد که حضرت عایشه از منظر تاریخ اسلام نیز زنی بسیار مهم شده است). [13]

یاشار نوری اوزتورک در مقاله‌ای که در این خصوص نوشته است به اینگونه نتیجه‌گیری منطقی‌ای می‌رسد :

اگر حضرت عایشه در زمان نکاح با پیامبر شش سال سن داشته‌اند، بایستی ۴ سال بعد از نبوت متولد شده باشند. چگونه ممکن است ابوبکری که در همان روزهای اول مسلمان شده است، تحت این شرایط، توافق کرده باشد که دخترش را عروس خانواده‌ای بت‌پرست بکند؟ (جبیر منسوب به خانواده‌ای بت‌پرست است).

چیزی که فهمیده می‌شود این است که حضرت عایشه مدت‌ها پیش از مسلمان شدن حضرت ابوبکر، توسط خانواده‌ای بت‌پرست خواستگاری شده و پدرش نیز این را پذیرفته است.

اگر این درخواست پس از مسلمان شدن حضرت ابوبکر بود، ابوبکری که دوست حضرت محمد بود، به هیچ وجه قبول نمی‌کرد که دخترش را عروس خانواده‌ای بت‌پرست بکند.

پس حضرت عایشه پیش از ظهور اسلامی متولد شده و حتی در آن دوره به وضعی رسیده است که توسط خانواده‌ای به عنوان عروس انتخاب شود.

لازم است که قبول کنیم حضرت عایشه حداقل ۶-۵ سال پیش از ظهور اسلام به دنیا آمده است. بنابراین، لازم است که حضرت عایشه زمانی که از سوی حضرت پیامبر خواستگاری شده است، حداقل ۱۵-۱۴ سال سن داشته باشند. (می‌دانیم که چند سال پس از نامزد شدن ازدواج کرده‌اند. اگر در ۱۵-۱۴ سالگی عقد کرده‌اند، در ۱۸-۱۷ سالگی ازدواج کرده‌اند.)^[14]

حضرت عایشه پیش از اینکه با پیامبرمان (ص) ازدواج کنند نامزد جبیر بن مطعم بوده‌اند. (یاشار نوری با بحث از این واقعه یک دلیل ارائه می‌کند.)

مطعم با تصور اینکه ازدواج حضرت عایشه با پسرش مسلمانیت را وارد خانه‌اش خواهد کرد، این نکاح را فسخ کرده بود.

با توجه به اینکه حضرت ابوبکر از اولین کسانیست که اسلام را پذیرفته‌اند؛ لازم است که این واقعه پیش از دعوت علنی اسلام و یا شیوع یافتن آن، وقوع یافته باشد.

صحیح‌تر بنظر می‌رسد که مطعم پس از آشکار شدن علنی اسلام و راهپیمایی کعبه و یا جلسه‌ی تپه‌ی صفا و کشف آشکار اسلام برای جامعه و روشن شدن مسلمان بودن حضرت ابوبکر، از گرفتن دختر ایشان برای پسرش منصرف شده است.

این واقعه نیز باز نشان‌دهنده این است که حضرت عایشه پیش از ازدواج با پیامبرمان به سن ازدواج رسیده و نامزد شده بودند.

یعنی نامزد شدن و پس از چند سال ازدواج کردنشان با حضرت محمد به کنار، تصور اینکه بسیار قبلتر از آن -بنابر قبول اجتماعی- وارد سن ازدواج شده بودند، معقولترین نتیجه خارج شده از منابع است.

حتی قبول اینکه دختری ۱۷-۱۸ ساله بنابر جامعه عرب آن عصر به سن ازدواج رسیده و رد شده است نیز بسیار طبیعی است.

دیدگاه دوم:

حضرت عایشه در ۹ سالگی با حضرت محمد ازدواج کرده‌اند و در این امر هیچ مشکلی هم وجود ندارد.^[15]

در خصوص موضوع ازدواج حضرت محمد و حضرت عایشه احادیثی مطابق با متد حدیث صحیح در منابعی مانند بخاری و مسلم به شکل بسیار واضحی ذکر شده‌اند.

ازدواج حضرت عایشه و حضرت محمد نه در قرون وسطی و نه در عصر وقوع این ازدواج مورد نقد قرار نگرفته است. زیرا این ازدواج بنابر دنیای آن زمان کاملاً نرمال بوده است.

اگر امروزه، به دلیل تغییرات ایجاد شده در شرایط زندگی در سده اخیر سن ازدواج به سنین بسیار بالاتری کشیده شده باشد نیز، سن ازدواج در تاریخ گذشته، به اندازه‌ای که انسان‌های امروزی را حیرت‌زده بکند، پایین بوده است.

زیرا در آن تواریخ شروط اجتماعی و اقتصادی موثر در خصوص ازدواج مورد بحث نبوده‌اند.

به عبارتی صحیح‌تر، ازدواج دارای سیری بسته بر روی عوامل خارجی بوده است. در دنیای قدیم تنها معیار موجود برای سن ازدواج رسیدن به سن توانایی فرزندآوری بوده است.

حال آنکه حیض و قاعده‌گی زنان (رسیدن به بلوغ) به این معنی بود که دیگر قادر به فرزندآوری هستند.

اینکه در عصر حاضر دیگر قبول کرده‌ایم که رسیدن به سن بلوغ برای ازدواج کردن کفایت نمی‌کند، قبول کفایت بلوغ برای این امر در گذشته‌مان را [به دلیل مقبولیت‌های امروزی] غیراخلاقی نمی‌سازد. اینکه گذشته را به دلیل عدم همخوانی دیدگاه اخلاقی آن با عصر حاضر با بیان "کثافات غیراخلاقی" محکوم کنیم، چقدر می‌تواند قابل قبول باشد؟

و چنان که مشاهده می‌شود تا چند سده‌ی اخیر در سراسر دنیا در اکثر مکان‌ها ازدواج در سنین کودکی مورد قبول بوده است. حقیقتاً نیز مخصوصاً اگر به قرن ۲۰ام بنگرید شاهد بروز تغییرات غیرقابل باوری در طرز زندگی انسان‌ها خواهید بود. حوادث بسیاری که زندگی انسان‌ها را عمیقاً مورد تأثیر قرار می‌دهند رخ داده است، از پیشرفت‌های تکنولوژی بگیریید تا تغییرات روی داده در شکل دولت‌ها.

در نتیجه در افکاری که در سالهای گذشته توسط اکثریت مردم مورد قبول واقع شده است، در عصر حاضرمان می‌تواند تغییرات بسیاری ظهور کند.

به این فکر کنید: ممکن است در ۵۰۰-۳۰۰ سال بعد زندگی اجتماعی و تصور ازدواج و خانواده در میان انسان‌ها چنان تغییری بکند که ازدواج کردن پیش از ۳۰ سالگی به عنوان رفتاری بسیار عجیب پذیرفته شود.

سن ازدواج در جوامع گذشته

برخی افراد بیان می‌کنند که ازدواج در سنین کودکی چیزی مختص اعراب بوده و سنت "اعراب پست" می‌باشد حال اینکه حتی سفری سطحی از امروزه به گذشته نیز به ما نشان خواهد داد که ازدواج در سنین کودکی چیزی خاص اعراب نبوده و به میزان بزرگی در جوامع گذشته مورد پذیرش بوده است.

در خصوص ماده ("*Marriage*" ازدواج) دایره المعارف بریتانیکا اطلاعات جالبی در خصوص سن ازدواج پیش از قانون ازدواج در سال ۱۹۲۹ در اروپا، موجود بوده تهیه کرده است. این دانشنامه در زیر عناوین بریتانیا و آمریکا مطالب را نوشته است:

(برای بریتانیا) پیش از قانون ازدواج که در سال ۱۹۲۹ تهیه شده بنا بر قوانین عرفی، برای ازدواجی مقبول، سن ازدواج برای مردان ۱۴ و برای زنان ۱۲ بود. این قانون - حتی پس از اصلاح قانون نیز - در جمهوری ایرلند به اجرا در می‌آمد.^[۱۶]

(برای آمریکا) بنا بر قانون عرفی، ازدواج دختران زیر ۱۲ سال و پسران زیر ۱۴ سال غیر قابل قبول بود.^[۱۷]

زمانی که در تاریخ به وضعیت عمومی دنیا در خصوص سن ازدواج نگرینسته شود، اینکه ازدواج در سنین پایین سنت جهانی موجود در تمام جوامع بوده است را خواهیم دید.

آلبرت سویندل هورست (*Albert Swindlehurst*) در مقاله (*Some Phases of the Law of Marriage*) (برخی از فازهای قانون ازدواج) منتشر شده خویش در سال ۱۹۱۶، تحقیقات دقیقی در خصوص موضوع ما انجام داده و اطلاعات مهمی در خصوص کشورهای آسیایی ارائه کرده است.

داده‌های ارائه شده در این مقاله نشان می‌دهند که ازدواج در سنین پایین در اکثریت قاطع جامعه آسیایی نیز وجود داشته است. در این مقاله، در خصوص ملت‌هایی که ازدواج در سنین پایین در آنها سنت بوده است، اطلاعات زیر ارائه می‌شود:

برای هندوها، به دلیل وابسته بودن تمام آرزوهای خوشبختی پس از مرگ به تولد یک نوزاد مذکر، ازدواج با همسری در سنین بسیار پایین وظیفه‌ای اجباری بود.^[۱۸]

سویندل هورست (*Swindlehurst*)، ارائه می‌کند که زرتشت، بنیانگذار دین ایران پیش از اسلام، گفته است:

کسی که پیش از ازدواج بمیرد در عذاب خواهد بود. این مطلب نیز ایرانی‌ها را به ازدواج در سنین پایین سوق داده بود.

سویندل هورست که ادعا می‌کند دلیل رشد سریع جمعیت هند و چین ازدواج در سنین پایین می‌باشد و این رشد سریع باعث بروز رکود در این جوامع شده است، بیان می‌کند که سنت ازدواج در سنین پایین در میان ژاپنی‌ها بر پایه‌ی دلایل متفاوتی بوده است، او اینگونه می‌گوید:

که آنها این قانون اخلاقی کونفوسیوس را پیروی کرده‌اند:

"پدري که در کار تعهدات ازدواجی که کودکان را بر روی جامعه و طبیعت می‌افزاید غفلت می‌ورزد محروم از شرف خواهد زیست و اگر یک فرزند مذکر فرزندان‌ی که نسل او را دوام دهند از خود به جای نگذاشته باشد در وظیفه‌اش ناموفق بوده است."[19]

نویسنده تاکید می‌کند که در میان این ملت‌های مورد بحث ازدواج در سنینی که می‌توان آن را سنین کودکی نامید، انجام می‌پذیرفته است.

سویندل هورست با بیان اینکه در میان مسلمین قانون واضحی در خصوص سن ازدواج وجود ندارد، بیان می‌کند که سن عمومی پذیرفته شده در جوامع اسلامی ۱۵ سال می‌باشد.

بیان این نکته نیز مفید است که نویسنده بیان می‌کند که امام ابوحنیفه برخلاف قبول عمومی ایستاده و سن ازدواج حضرت عایشه را ۱۸ سال دانسته است. (کمی بعد به بررسی دلایل مدعیان ۱۸-۱۷ ساله بودن حضرت عایشه می‌پردازیم.) [20]

بنابر این مقاله‌ی منتشر شده در اوایل سالهای ۱۹۰۰، در ترکیه دخترها در ۱۴ سالگی می‌توانند ازدواج کنند.

اگر در طول زمان کمی عقب‌تر برویم و اطلاعاتی واضح‌تر بدست آوریم، با ارقامی مواجه خواهیم شد که درک آنها با معیارها و افکار امروزی بسیار سخت است.

آلبرت گرانجر هارکنسس (*Albert Granger Harkness*) که مقاله‌ای در خصوص میانگین سن مرگ و ازدواج در امپراتوری روم نوشته است، برای دریافت این سن میانگین، برخی نوشته‌ها و کتیبه‌های متعلق به آن زمان را ارائه می‌کند:

در زمان‌های بسیار قدیم؛ مخصوصاً در خانواده‌های سلطنتی، ازدواج کودکان بالای هفت سال مشهور بود. اما هرگونه ازدواجی که به این شکل انجام شده باشد، می‌توانست پس از رسیدن دختر به ۱۲ و پسر به ۱۴ سالگی، توسط طرفین ابطال شود.

هنری هشتم را پیش از رسیدن به ۱۴ سالگی با کاترینا که بیوه برادرش آرتور بود، ازدواج داده بودند. هنری پس از رسیدن به ۱۵ سالگی این ازدواج را رد کرده بود اما در سال ۱۵۰۹ دوباره با کاترینا ازدواج کرد. [21]

همچنین نویسنده هندی راج کومار روی در مقابل غربی‌هایی که ازدواج دادن دختران پیش از رسیدن به بلوغ در هند را مورد انتقاد قرار می‌دادند، مقاله‌ای به اسم *(Child Marriage in India)* (ازدواج کودکان در هندوستان) منتشر کرده و در این مقاله اطلاعاتی موازی اطلاعات موجود در دانشنامه بریتانیکا (*Britanica Ansiklopedi*) ارائه کرده است:

اگر در بخش اعظم هندوستان و حتی در بنگال در کاست‌های مشخصی از هندوها مردان و زنان در کودکی ازدواج کنند نیز به هیچ وجه پیش از رسیدن به بلوغ اجازه زندگی در کنار یکدیگر به آنها داده نمی‌شود.

بنابر بیان هندوها تا ازدواج دختر... [22]

در گذشته ازدواج پس از ورود به سن بلوغ امری معمول تلقی می‌شد، زیرا هدف اصلی موجود در تشکیل خانواده تولید فرزند بود، و کودکان نیز ذاتاً از سنین بسیار کم آموزش‌های لازم را کسب می‌کردند و به توانایی انجام کارهای شخصی خود دست می‌یافتند.

لطفاً با نگرستن به دختری ۹ ساله در این عصر سعی در مقایسه آن با دختری ۹ ساله در قرن‌ها پیش نکنید.

آیا حضرت محمد ازدواجی مطابق با عرف زمانه خودشان داشته‌اند؟

واضح است که سن بلوغ بر اساس ملت‌ها و جغرافیایها در شکلی متغییر می‌باشد.

اگر در خصوص کاهش سن بلوغ با نزدیک‌تر شدن از شمال به سمت اکوادور قبول عمومی‌ای باشد نیز بعضی نمونه‌های مهم دقیقا در حال نشان دادن برعکس این قضیه می‌باشند.

بطور مثال سن ورود به بلوغ در شمال سوئد نسبت به جنوب آن در سنین پایین‌تری می‌باشد.

همچنین، در زمانی که در اروپا سن قانونی ازدواج در سنی ثابت نمایان شد، کسانی که می‌دانستند این معیار بر اساس سن بلوغ در ایتالیا تعیین شده است، با اعتراض به این قانون خواستار پایین‌بندی کشورهای شمالی به معیار پروسیا شدند و بیان کردند که در کشورهائشان دختران به نسبت کشورهای جنوبی دیرتر به بلوغ می‌رسند.

با وجود تمام این اختلافات اینکه بطور کلی در چه سنی به بلوغ رسیده می‌شود مشخص می‌باشد.

در مقاله منتشر شده در سایت **Psychology Today** اطلاعات زیر ذکر شده است:

بلوغ، بطور کلی اشخاص ۱۳ - ۱۹ سال را شامل شده و این دوره را می‌توان به عنوان مرحله عبور از کودکی به بزرگسالی دانست. در کنار این، تغییرات فیزیکی و روانی که در دوره بلوغ رخ می‌دهند می‌تواند در سنین ۹ - ۱۲ سال (یعنی زودتر) نیز شروع شود. [23]

در نتیجه سن بلوغ متغیر می‌باشد اما کسانی که در ۹ سالگی به بلوغ می‌رسند نیز می‌توانند وجود داشته باشند.

اینکه سن رسیدن به بلوغ دختران پایین‌تر از پسران می‌باشد نیز موردی مشاهده شده است. [24]

همانطور که در ابتدای بحث نیز مشخص کردیم هدفمان این نیست که با مقایسه ازدواج‌های موجود در تاریخ با ازدواج‌های عصر حاضر اثبات کنیم که کدامیک درست می‌باشند.

اما نکته‌ای که لازم است فراموشش نکنیم این است: کسانی که از افکار ازدواج تاریخی را بهره می‌بردند نیز در حال پیروی از معاصران خویش بوده‌اند و ازدواج در سنین کودکی برای آن زمان تقریبا یک درک جهانی مشترک بوده است. اینکه در عصر حاضر سن ازدواج بسیار بیشتر از سن ورود به بلوغ می‌باشد، نتیجه‌ای مانند این را بدست نمی‌دهد که عصر حاضرمان در مقایسه با دوران‌های گذشته‌ای که سریعا پس از ورود به سن بلوغ ازدواج رخ می‌داده، اخلاقی‌تر است.

محاسبه ی سن حضرت عایشه در دیدگاه دوم

برخی افراد دلایلی از روی سن حضرت اسماء [خواهر بزرگتر حضرت عایشه] دال بر اینکه حضرت عایشه در ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند ارائه می‌کنند. مورخان تاریخ اسلام عموماً اینکه حضرت عایشه در سال ۵۸ هجری (۶۷۸ م) ۶۶ ساله بوده‌اند را بیان می‌کنند. [۲۵]

با توجه به اینکه حضرت عایشه چند ماه پس از هجرت ازدواج کرده‌اند/وارد زندگی مشترک شده‌اند، اگر سنی که در سال وفاتشان داشته‌اند را از سال ۵۸ بعد از هجرت کم کنیم ($۵۸ - ۶۶ = ۸$)، حاصل ۸ خواهد بود.

در خصوص حضرت اسماء نیز در اینکه در سال ۷۳ هجری (۶۹۳ م) وفات کرده‌اند توافق نظر وجود دارد اما در اینکه در چند سالگی وفات کرده‌اند اختلاف وجود دارد. [۲۶]

برخی اینکه ایشان در ۱۰۰ سالگی فوت کرده‌اند را بیان می‌کنند. اما این جمله می‌تواند کنایه‌ای از زیادی عمر باشد، یعنی ممکن است در حال بیان این باشند که حضرت اسماء عمر طولانی‌ای داشته‌اند.

بطور مثال ابن عماد و الذهبی بیان می‌کنند که حضرت اسماء تقریباً در ۹۰ سالگی و یا چندی پس از ۹۰ سالگی وفات کرده‌اند. [۲۲] در این خصوص می‌توانیم اینگونه جمع بندی کنیم:

زمانی ۱۵ سال سپری شده از وفات حضرت عایشه در ۵۸ هجری تا وفات حضرت اسماء در ۷۳ هجری را به سن حضرت اسماء در سال ۵۸ اضافه کنیم، سن وفات حضرت اسماء ۹۱ خواهد شد ($۷۶ + ۱۵ = ۹۱$). این نیز نمایان می‌کند که حضرت اسماء در زمان وفات ۹۱ ساله بوده‌اند، ۱۰۰ ساله بودنشان چندان ممکن به نظر نمی‌رسد.

زمانی که از ۹۱، سال وفاتشان که ۷۳ هجری بوده است را کم کنیم نیز می‌یابیم که حضرت اسماء در زمان هجرت، یعنی در زمان ازدواج حضرت عایشه، ۱۸-۱۹ ساله بوده‌اند.

و بنابراینکه تفاوت سنی میان حضرت اسماء و عایشه ۱۰ سال است، درستی این بیان؛ "در ۶ سالگی عقد و در ۹ سالگی ازدواج کردم"، که از حضرت عایشه نقل شده و مورد توافق تمام مورخان قرار گرفته است، نمایان می‌شود.

برخی نیز با تاکید بر اینکه حضرت عایشه پیش از ازدواج با پیامبر (ص) نشان کرده جبیر بوده‌اند، با استدلال از روی این نکته که حضرت ابوبکر تنها پیش از مسلمان شدن می‌توانسته‌اند قبول کنند که حضرت عایشه عروس جبیری که مشرک بوده است، بشود. سعی می‌کنند نتیجه بگیرند که حضرت عایشه در زمان ازدواج بیشتر از ۹ سال سن داشته‌اند.

اما نکته‌ای که فراموش کرده‌اند این است که آیه‌ی ممنوعیت ازدواج با مشرکان در مدینه نازل شده است. (بنگرید به آیه ۲۲۱ سوره بقره) پس در دوران مکی ازدواج با مشرکان ممنوع نبوده است.

حتی با نزول این آیه برخی از اصحاب در مدینه همسرانشان را طلاق داده‌اند.

همانطور که برای مومنان در این امر مشکلی وجود نداشت مشرکان نیز در دوره مکی ازدواج با مومنان را چیز عجیب و غریبی نمی‌دیدند.

اگر به موضوع نشان کرده بودن حضرت عایشه و جبیر برگردیم، می‌تواند این نیز گفته شود که ممکن است جبیر و حضرت عایشه نشان کرده در گهواره یکدیگر بوده باشند. (بنابر رسم نشان کردن در گهواره، خانواده دارای فرزند پسر برای برقراری پیوند فامیلی با خانواده‌ای که نوزاد دختری دارند، درخواست نشان کردن نوزاد دختر برای پسر خویش را می‌کنند.)

خوب، آیا ازدواج شخصی بزرگسال با کودکی کوچک، یعنی تفاوت سنی موجود در میانشان، وضع بسیار عجیب و غریبی نمی‌باشد؟

البته که ازدواج شخصی بزرگسال با شخصی کوچک، با زندگی اجتماعی عصر حاضر ما سازگاری ندارد.

اما می‌دانیم که در عصر پیامبر (ص)، مخصوصاً رهبران قبایل به دلایل خاصی با افرادی بسیار کوچکتر از خویش ازدواج می‌کردند. [28]

هدف موجود در ازدواج پیامبر (ص) با حضرت عایشه نیز می‌تواند با نگرستن به اهمیت حضرت عایشه در تاریخ اسلام فهمیده شود. (حضرت عایشه در تاریخ اسلام هم از نظر احادیث و هم از نظر نمایان ساختن تجربی دین برای مردمان آن عصر، شخص بسیار مهمی شده است.)

علاوه بر اینها ازدواج حضرت عایشه با حضرت پیامبر باعث بسته شدن پیوندی بسیار محکم میان ایشان و حضرت ابوبکر نیز شده است.

برخی می‌پرسند که {مگر ذاتا بسیار نزدیک به یکدیگر نبودند، چه نیازی به برقراری پیوند میان یکدیگر داشتند؟}

اما اینگونه سوالات احتمالا ریشه در تصور عدم وجود احساسات انسانی در پیامبر و محیط اطرافشان دارد. مثلا رابطه میان بنده و خاله‌ام بسیار خوب است. من در خانه آنها می‌مانم، آنها در خانه ما مسافر می‌شوند، در صورت لزوم خاله‌ام به کارهای من نیز رسیدگی می‌کند، یعنی در کل به شکل خانوادگی از یکدیگر حمایت می‌کنیم. علاوه بر اینها، وقتی بر روی پروژه‌ای کار می‌کردم، خاله‌ام در حالی که خودش دچار مشکلاتی بود، به کمک من آمد. بله، رابطه میان مان با خاله‌ام ذاتا خوب بود اما این رفتارشان پیوندهای میان ما را قوی‌تر کرد.

البته که می‌توان به راحتی مدافع این موضع بود که به عنوان یک انسان رابطه میان حضرت ابوبکر و حضرت محمد نیز می‌تواند تقویت شود.

اینکه در آن دوره به پیوندهای خانوادگی اهمیت بسیاری داده می‌شد بسیار واضح است؛ البته که برای حضرت ابوبکر نیز ازدواج دخترش حضرت عایشه با مهمترین شخص دین اسلام، بسیار خوشحال کننده خواهد بود.

اما لازم به تاکید است که ما نمی‌گوییم هدف اصلی این ازدواج این بوده است، تنها می‌گوییم که این ازدواج مسبب این نیز شده است.

نتیجه گیری:

سن ازدواج بنابر عوامل بسیاری مانند تفاهم اجتماعی، فرهنگ و حوادث رخ داده در دوره مورد نظر، از جامعه‌ای به جامعه دیگر و حتی در میان انسان‌هایی دارای وضعیت اجتماعی متفاوت در یک جامعه مشترک، متغییر است.

برای نجات‌دهی خودمان از آن‌اکرونیسیم (زمان‌پریشی)، بایستی از سعی بر فهم عصر پیامبر ص با نگرستن به ادراک ازدواج، ادراک کودکی و تجربه اجتماعی عصر حاضر، دست برداریم.

در فوق ذاتا به وجود ازدواج در سنین پایین در عصر پیامبر ص و عدم محکومیت این موضوع توسط انسان‌های آن عصر تاکید کردیم، یعنی این امر در تجربه اجتماعی آن عصر وجود داشته است.

برخلاف تصور، مخصوصا نیز این نوع ازدواج‌ها، بیشتر از اهداف امروزی‌ای مانند عشق/لذت برپایه اهدافی اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گرفته است.

یعنی به اینگونه ازدواج‌ها در قاب "تحریک شدن و رد کردن حد و مرز" -همانند نگاه امروزمین ما- نگرسته نمی‌شده است.

از سویی صعود حضرت عایشه به نقطه‌ای بسیار مهم از منظر اسلام نیز نشان می‌دهد که به هدف موجود در این ازدواج به بهترین شکل ممکن خدمت کرده‌اند.

اشاره کردیم که در تجربه اجتماعی آن دوره اینگونه ازدواج‌ها عادی بوده است و در جوامع گذشته محکومیتی علیه پیامبر ص در این خصوص وجود نداشته است.

اما بیا بید بی‌خیال گذشته شویم، آیا مثلا ازدواج در ۱۰ سالگی چیزی نیست که در هر زمان و مکانی لازم است که محکوم شود؟ در اصل اگر خوب بنگرید ما معتقد به بد بودن ازدواج در سن خاصی نیستیم، چیزی که ما مخالف آن هستیم ازدواج با کودکی هست که به بلوغ نرسیده است.

تقریبا همه توافق دارند که کودکی ۱۶ ساله در روزگار ما به بلوغ کافی نرسیده است.

حال آنکه مادر بزرگ و یا مادر مادر بزرگ بسیاری از ما در این سنین ازدواج کرده‌اند.

با تغییر طرز زندگی انسان‌ها هم ادراک ازدواج و هم سن بلوغ آنها در حال تغییر است. امروزه یک کودک ده ساله البته که دارای بلوغ به عهده گرفتن مسئولیت پدری-مادری نمی‌باشد.

امروزه زندگی انسان‌ها به نسبت بسیاری تغییر کرده است و دیگر انسان‌ها به توسعه شخصی خویش، به تفریحات می‌نگرند، زن‌ها به زندگی اجتماعی اضافه شده‌اند و دیگر وابستگی اقتصادی به مردان ندارند...

به سبب این موضوعات امروزه دیگر جوانان بسیاری برای ازدواج کردن به اندازه کافی بالغ نیستند. ذاتا به این دلیل است سن ازدواج روز به روز افزایش می‌یابد اما در زمانی که زندگی اجتماعی از نگاه مرد کار کردن و در صورت نیاز جنگیدن بوده است و از نگاه زن رسیدگی به کارهای خانه و مادر شدن، در عربستان قرن ۷-۶، چرا ازدواج در ۹ سالگی عجیب باشد؟

در خصوص سن ازدواج چنین مشکلی نیز وجود خواهد داشت، زمانی که پرسیده شود؛ از نظر شما امروزه یک فرد حداقل در چند سالگی برای ازدواج آماده است؟ قطعی است که جواب واضحی نخواهید داد، بسیاری از افراد نیز جواب‌هایی متفاوت خواهند داد، اما نقطه توافق مشترک همه "پس از رسیدن به بلوغ کافی" خواهد بود.

بله، چیزی که سعی در بیان آن دارم نیز دقیقا همین است. از منظر اسلامی یک خانم و یک مرد می‌توانند در هر سنی که می‌خواهند ازدواج کنند، تنها کافی است که الزامات بلوغ ساختار اجتماعی‌ای که در آن زندگی می‌کنند را تهیه کرده باشند و بتوانند مسئولیت ازدواج را به عهده بگیرند.

در حالی که این الزامات در زمان پیامبر ص به سنینی که ما کودکی می‌خوانیمش مربوط می‌شده، امروزه کودکی در آن سن ازدواج کردن که به کنار، جدیت معشوق و معشوقه بودن را نیز درک نخواهد کرد.

لینک مطلب:

<https://mantiksalteizm.com/hz-muhammed-gercekten-yasadi-mi/>

[1] Nevevî, Tehzîbü'l-Esmâ, 2/597.

[2] Zehebi, Siyeru Alamu'n-Nubela, I, 287; İbn Sa'd, Tabakâtü'l-Kübrâ, Beyrût, 1968, 8/58.

[3] روایاتی دال بر اینکه این ازدواج هفت یا هشت ماه و یا حتی تقریباً یک سال بعد از هجرت و پشت سر جنگ بدر رخ داده است وجود دارند، بنگرید به: İbn Sa'd, Tabakât, 8/58; İbn Abdilberr, İstîâb, 4/1881; Nedvî, Sîretü's-Seyyideti Âişe Ümmi'l-Mü'minîn, Tahkîk: Muhammed Rahmetullah Hâfiz en-Nedvî, Dâru'l-Kalem, Dimeşk, 2003, 40, 49.

[4] İbn Esîr, Üsdü'l-Gâbe, 3/467.

[5] İbn Abdilberr, İstîâb, 2/108; Tehzîbü'l-Kemâl, 16/560.

[6] İbn Sa'd, Tabakât, 8/75; Nedvî, Sîretü's-Seyyideti Âişe, 202.

[7] İbn Abdilberr, İstîâb, 2/108; Doğrul, Asr-ı Saadet, 2/142.

[8] Buhârî, Cihâd, 65.

[9] Nabia Abbott, Hz. Muhammed'in Sevgili Eşi Aişe, Çev. Tuba A. Hasdemir (Yurt-Kitap Yayın: Ankara 1999), s. 166.

[10] Taberânî, Kebîr, 23/25; İbn Abdilberr, İstîâb, 4/1937; İbn Sa'd, Tabakât, 8/63.

[11] برای روایات متفاوتی مانند "حدود یک یا ۲ یا سه سال پیش از هجرت"، "در شش یا هفت سالگی ام"، در سال وفات هجرت خدیجه و یا سه سال پس از وفات ایشان"، "هفت هشت ماه پس از هجرت، در سال اول هجرت" و یا "پشت سر بدر" می‌توانید بنگرید به:

Buhârî, Menâkıbü'l-ensar 20, 44; Müslim, Fedâilü's-Sahâbe 74; Aynî, Umde, 1/45; İbn Abdilberr, İstîâb, 4/1881; Nedvî, Sîretü's-Seyyideti Âişe, 40, 49.

[12] Mevlana Şibli, Asr-ı Saadet, Çev. Ömer Rıza Doğrul (İstanbul: Eser Kitabevi, 1974), II. Cilt, s. 148.

[13] Mevlana Şibli, a.g.e., s. 149-150.

- [14] Yaşar Nuri Öztürk, *Asrı Saadet'in Büyük Kadınları*(İstanbul: Yeni Boyut Yayınları, 1998), s. 34.
- [15] Bu bölümün bir kısmı Hüseyin Bursalı'dan alıntıdır, kendisine teşekkür ederiz.
- [16] The Encyclopedia Britannica, Vol. 14, Marriage maddesi s. 932.
- [17] The Encyclopedia Britannica, Vol. 14, Marriage maddesi s. 934.
- [18] Albert Swindlehurst, Some Phases of the Law of Marriage, Harvard Law Review, Vol. 30, №2 (Dec. 1916), s. 124.
- [19] Albert Swindlehurst, Some Phases of the Law of Marriage, Harvard Law Review, Vol. 30, №2 (Dec. 1916), s. 126.
- [20] Albert Swindlehurst, Some Phases of the Law of Marriage, Harvard Law Review, Vol. 30, №2 (Dec. 1916), s. 127.
- [21] The Encyclopedia Britannica, Vol. 14, Marriage maddesi s. 932.
- [22] Raj Coomar Roy, Child Marriage in India, The North American Review, Vol. 147, №383 (Oct. 1888), s. 417.
- [23] <https://www.psychologytoday.com/basics/adolescence> (10.05.2018 tarihinde erişildi)
- [24] <http://www.jinekolognet.com/jinekolojide-ergenlik-donemi.asp> (10.05.2018 tarihinde erişildi)
- [25] İbnü'l-Esir, el-Kamil, Beyrut 1979, IV, 363; İbn Kesir, el-Bidaye ve'n-Nihaye, Beyrut 1974, VIII, 94; Zehebi, el-İber, Beyrut 1987, I, 60.
- [26] Zehebi, Siyeru Alamu'n-Nubela, Beyrut 1990, II, 288.
- [27] Zehebi, el-İber, Beyrut 1987, I, 60; İbn İmad, Şezeratü'z-Zeheb, byy. tsz. I, 3308.
- [٢٨] Mustafa Öztürk, *Cahiliyeden İslamiyet'e Kadın*(Ankara: Ankara Okulu Yayınları, 2012), ss. 42-44.